

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

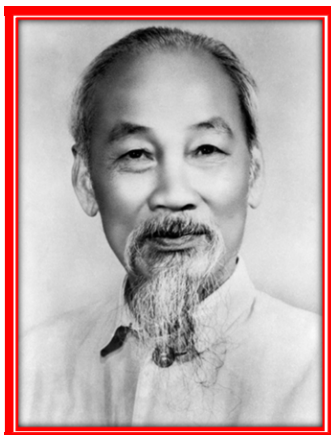
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هوشی مین
برگردان از: توفان آراز
۰۲ اگست ۲۰۲۱

کار نظامی حزب در میان دهقانان اسلوب های چریکی انقلابی (۲)



به ادامه گذشته:

زمانی که یک جنبش دهقانی انقلابی قوی به دنبال یک شکست پرولتاریائی پدید می آید (به عنوان نمونه پس از انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه^[۸] یا پس از شکست پرولتاریا در ۱۹۲۷ در چین)، حزب مسلماً باید در رأس این جنبش دهقانی قرار گیرد و رهبری اش کند. مبارزات انقلابی دهقانان، خصوصاً اگر در منطقه ای با مراکز صنعتی و تجارتی مهم در پیش رفت باشند، سلاحی پرتوان هستند؛ آن ها قادرند طبقه کارگر را که سرکوب و برای بار دیگر مضروب ارتجاع گردیده است، برای به دست گرفتن ابتکار و عمل تحریک نمایند.

در شرایطی که هر جنبش انقلابی جدی در میان جمعیت دهقانی ضرورتاً شکل مبارزه مسلحانه (منظور عملیات نظامی واقعی به وسیله گروه های دهقانی) به ضد ملاکین، رباخواران، اراده عمل مقامات دولت و غیره را به خود گیرد، بحث جامع کار نظامی در میان دهقانان مطلقاً ضروری خواهد بود.

آغاز تشکیل گروه های دهقانی مسلح در هر زمان دلخواهی ممکن نیست، هم چنان که تشکیل یک گارد سرخ در کارخانه ها به دلخواه ممکن نمی باشد. مبارزه مسلحانه دهقانان به صورت یک مبارزه توده ئی تحت شرایط سیاسی ویژه ای بروز می نماید - وقتی که یوغ طبقات حاکمه تحمل ناپذیر می گردد و توده های روستائی در وضع نا آرامی انقلابی غلبان یابنده قرار دارند و آماده مبارزه فعالانه به ضد نظام اجتماعی موجود می باشند. عملیات خودجوش گروه های دهقانی مسلح علائم اینست، که " توده های استثمار و سرکوب شده دریافتند، که ادامه [زندگی] به شکل گذشته ناممکن است و خواستار تغییرات اند." (لنین)، و کشور مستقیماً می رود تا داخل یک وضعیت انقلابی گردد. یک جنبش چریکی انقلابی در یک وضعیت "عادی و آرام" میسر نیست، چرا که آن مقدمه دوره ای با جنگ داخلی علنی بین دو طبقه از یک خلق می باشد.

این تجربه تاریخی حاصله از جنگ های چریکی در ممالک مختلف است، که آن ها در آغاز باز دو خوردهای کوچک و با اهمیت صرفاً محلی مشخص می گردند. این نتیجه ضعف و مقیاس محدود واحدهای چریکی و سطح پائین درک دهقانان از اهداف شان می باشد - آنچه که معلول فقدان تجربه انقلابی شان و عدم نفوذ کافی حزب پرولتاریائی در روستاهاست. هدف عمده گروه های چریکی در این مرحله دفاع از دهقانان در مناطق خودی در برابر خشونت مقامات ارتجاعی، در برابر سربازگیری های اجباری ارتش (زمان جنگ) و غیره می باشد. درجهت تحقق این، مبارزات واحدهای چریکی اغلب شکل ترور انفرادی یا عملیات خراب کارانه به ضد مقامات، تجار، ملاکین، افسران، پولیس، رهبران فاشیست یا سازمان های صدهای سیاه^[۹]؛ به ضد واحدهای منفرد، که اقدام به عملیات کیفی می نمایند، یا به ضد رسته های کوچک برای اخذ اسلحه شان یا آزاد سازی اسرای شان را به خود می گیرند؛ راه ها و خطوط آهن تخریب می گردند، و " سلب مالکیت ها" و مصادره وجوه پول به عمل می آید، املاک به آتش کشیده می شوند و غیره.

مسأله تصرف قدرت سیاسی، تطبیق دهی عملیات چریکی در مناطق گوناگون یا وفق دهی این عملیات با مبارزات سیاسی و اقتصادی پرولتاریای شهری قاعداً در این اولین مرحله جنگ داخلی در روستا مطرح نمی گردد. شعارهای مبارزه چریکی هنوز یک ماهیت طبقاتی روشن نیافته است. وقتی که بعداً خیزش انقلابی در روستا رشد می کند، وقتی که تضادهای طبقاتی در جمعیت دهقانی ژرف تر می گردد، فعالیت چریکی نیز افزایش می یابد. گروه های افزون تری پدید می آیند و مناطق تازه ای لاینقطع زیر پوشش قرار می گیرند. عملیات گروه ها تا درجه فزاینده حجمی دشوار می یابد. مبارزه مسلحانه دهقانان سرکوب شده به ضد ارتجاع اکنون ماهیت توده ئی به خود می گیرد؛ آن بیش از پیش از مبارزه تدافعی به تهاجمی بدل می گردد و مقامات را وادار از به سربردن در وحشت از حملات غافل گیر سازنده گروه های دهقانی می سازد.

در این مرحله واحدهای چریکی بیش از آن عملیات شان را به مناطق خودی منحصر نمی سازند. آن ها به خود جرأت خروج از روستاها یا بخش های شان را می دهند و متدرجاً به شکل ستون های پرنده با نیروهای متفاوت درآمده، به واحدهای مناطق همجوار می پیوندند و جرأت انجام عملیات به مقیاس بزرگ را می یابند. شمار اهداف معینه برای حمله علناً افزایش می یابد. آن ها اکنون علاوه بر حملات کوچک به انبارها - اعدام ملاکان، مرتجعان و نفرات پولیس، ایجاد حریق در املاک

بزرگ و غیره - به حملات منظم به پولیس و نیروها و واحدهای پشت جبهه و حملات غافل گیر سازنده به شهرهای کوچک (به مقصود تهیه ذخیره و غیره) مباردت می ورزند.

تاریخ مبارزه دهقانی همه جا در دنیا نمونه های بسیاری به دست می دهد از این که چگونه جنبش چریکی تدریجاً به شکل یک نیروی رزمی واقعی درمی آید؛ یک نیروی رزمی، که در صورت برخورداری از رهبران درست قادر به اجرای وظایف انقلابی با اهمیت زیاد می باشد.

در زمان اعزام لشکر به شمال در ۱۹۲۶ و آغاز ۱۹۲۷ ارتش انقلابی دولت کانتون، که هنگام ترک ایالت کوانگ تونگ دارای تقریباً ۹۰/۰۰۰ سرباز بود، ارتش های وویی فو، سون چوان فانگ و چانگ سونگ چانگ (Chang Tsung-Chang) [۱۹۳۲-۱۸۸۱] را، که چند برابر بزرگ تر بودند، بلی، حتی با معیار چینی به قدر غیرعادی بزرگ، شکست داد. این پیش رفت نظامی بزرگ ارتش کم شمار کانتون، بداسلحه و با تجهیزات ناکافی تنها در اثر عملیات فعالانه واحدهای دهقانی در پشت خطوط دشمن ممکن گردید. پساً سراسر اعزام لشکر به شمال به ویژه در آغاز دهقانان در ایالات جنوبی و مرکزی - که در آن نقطه زمانی ارتش انقلابی را پرچم دار مبارزه به ضد ملاکان بزرگ، اشخاص ممتاز،

امپریالیست ها، سران نظامی خودمختار، و عموماً به ضد جمیع مرتجعان به شمار می آوردند - کمک پرارزشی با عملیات چریکی شان، خیزش های شان، خراب کاری های شان در خطوط عقب نشینی سران نظامی خودمختار و حملات غافل گیر کننده شان به نیروها، به ارتش ملی می رساندند. ارتش های سران نظامی خودمختار مجبور از مقاومت در برابر حملات نیروهای انقلابی از جبهه و همزمان سازماندهی یک مقاومت مأیوسانه در مقابل واحدهای دهقانی در پشت جبهه خود بودند. طبیعتاً هیچ ارتشی قادر به رزم مؤثر تحت آن شرایط نمی باشد. باوجودی که ارتش های سران نظامی خودمختار در چین جنوبی و مرکزی شدیداً مورد پشتیبانی امپریالیسم بودند، آن ها به طور اجتناب ناپذیر تحت ضربات متحد و هماهنگ شده ارتش ملی و واحدهای دهقانی عبیده ای که از پشت جبهه آن ها حمله ور می گشتند، از هم پاشیده شدند.

حزب کمونیست و گومیندان رُل بااهمیتی با کارشان در میان دهقانان به صورت سازمان دهی و رهبری واحدهای دهقانی در ایالات تحت تسلط سران نظامی خودمختار داشتند، که سرانجام باعث از هم پاشیدگی پشت جبهه سران نظامی خودمختار گردید.

تاریخ مبارزه انقلابی چین هم چنین مثال نیکوئی است بر این که چگونه واحدهای چریکی می توانند برای اهداف ضدانقلابی به کار گرفته شوند. در آغاز ۱۹۲۶ ارتش خلقی دوم فنگ یوسیانگ (Feng Yü-hsiang) [مفت. ۱۹۴۸-۱۸۸۲]، که در ایالت هونان مستقر گشته بود، به جنگ با ارتش وویی فو اشتغال داشت. ایالت هونان به علت جنگ مداوم فی مابین دستجات سران نظامی خودمختار کاملاً ویران شده و دهقانان به تکدی دچار آمده بودند. جمعیت روستائی در زمان استقرار ارتش دوم در آن جا بیش از پیش به فلاکت گرائیده بود - زیرا ۲۰۰/۰۰۰ نفرات ارتش مسلماً می باید به وسیله مردم تغذیه کردند. این فلاکت صدها هزار دهقان را وادار ازملحق گردیدن به دستجات توفی (tu-fei) (دستجات راهزن) ساخته بود. بقیه به اتحادیه های دهقانی مذهبی یا نیمه مذهبی ملحق شده بودند، که شمارشان در ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ به اندازه زیاد افزایش یافته بود.

نارضایتی دهقانان هونان مورد سوء استفاده وویی فو قرار گرفت، که مأمورینش سرگرم به پیش بردن یک کارزار تحریک هوشمندانه به ضد ارتش خلقی دوم بودند. سازمان های دهقانی گوناگونی ("نیزه های سرخ"، "چاقوهای دراز"، "شکم های خالی" و غیره) فعالانه به ضد حاکمیت تحمیل شده بر هونان از سوی ارتش دوم می ستیزیدند؛ آن-ها حمله ور شده و نیروهای عقبی ارتش را می پراکندند، مرتباً به واحدهای کوچک تر حمله می نمودند و سربازان را به فرار از ارتش و پیوستن به واحدهای دهقانی دعوت می کردند و غیره.

ارتش دوم تدریجاً به اندازه ای در اثر خصومت سازمان های دهقانی شبه نظامی حس شهامتش از بین رفته و دلسرد گشته بود، که این ارتش متشکل از ۲۰۰/۰۰۰ نفر به مانند یک خانه مقوایی بلافاصله پس از اولین حملات نیروهای قلیل العده وویی فو فرو پاشید.

وویی فو از توانائی سوء استفاده از نیروی انقلابی دهقانان هونان برای یک هدف ضدانقلابی برخوردار بود. اما هنگامی که نیروهای خود وویی فو داخل ایالت گشتند، همان دهقانانی که به تازگی به ارتش دوم حمله ور شده بودند، اکنون سلاح شان را به ضد وویی فو برگرداندند و او متحمل شکستی سخت در این تقابل علیه ارتش کانتون در نتیجه عملیات خصمانه واحدهای چریکی گردید.

نمونه های عدیده ای از عملیات چریکی قهرمانانه در تاریخ جنگ داخلی روسیه^[۱۰] - در سیبری، اوکراین، منطقه دون، قفقاز شمالی و غیره - یافت می شوند، که به ارتش سرخ در پاک سازی کشور از وجود نیروهای ضدانقلابی: جنرال های تزاری، ملاکین و بورژوازی یابوری نموده اند.

شرط نیل واحدهای چریکی به نتایج مؤثر ارتباط نزدیک و استوار آن ها با توده های دهقانی است. فعالیت چریکی بدون یک وضعیت انقلابی، یک غلیان انقلابی در توده های دهقانی متصور نیست. مبارزه چریکی باید منعکس کننده منافع توده های انبوه دهقانی باشد، و پیروزی آن درگرو حاضر بودن یک وضعیت انقلابی است. واحدهای کولاک که به طور مصنوعی به وسیله احزاب ضدانقلابی در مناطق گوناگون روسیه پسا جنگ داخلی تشکیل داده شدند، به پیش رفت مؤثری نیل نیامدند و نمی توانستند نیل آیند، زیرا آن ها منعکس سازنده امیدواری ها و تلاش های جمعیت دهقانی نبودند، که با قاطعیت از ستیزه به ضد قدرت شوروی پرهیز می نمودند. پیش رفت موقت آن ها به عنوان نمونه در ایالت تامبوف (Tambov) در ۱۹۲۰ سریعاً جایش را به شکست و قیام توده های دهقانی به ضد رهبران ضدانقلابی آن ها سپرد.

شرایط مبارزه، حجم جنبش انقلابی در روستا، اهداف گزینه جمعیت دهقانی - این ها عواملی هستند، که شکل مبارزه چریکی را در هر لحظه مشخص، در هر کشور مشخص تعیین می نمایند و نیز همین شکل تعیین کننده سازمان و ساختار واحدهای چریکی می باشد. وظیفه حزب پرولتاریائی است که همواره وضعیت مشخص، زمان را در نظر داشته باشد، تا آن که به ریخت دهی به جنبش چریکی در سازگاری با وضعیت ویژه ای قادر گردد و از توانائی رهبری عملیات آن برخوردار باشد. بر جنبش چریکی باید نه فقط رهبری سیاسی، هم چنین نظامی و راهکاری اعمال گردد.

نسخه های عمومی و قواعد عادی برای سازمان و راهکار به طور کلی در مبارزه چریکی دهقانی غیرقابل استفاده اند. اشکالی که این مبارزه به عنوان مثال در چین دارا بوده، از ریشه و اساس

متفاوت با آنست که در فرانسه دارا خواهد بود. صرف متفاوت بودن کامل صحنه جنگ روشن سازنده اینست. حال بگذریم از سایر تفاوت ها و اوضاع ویژه. اگر نخواهیم از اساس مارکسیسم منحرف و با خطر ارتکاب اشتباهات روبه رو گردیم، تنها می توانیم از اشکال و ساختار واحدهای چریکی به صورت مطلقاً کلی سخن گوئیم و صرفاً سؤالات اصولی را مطرح سازیم.

قبل از توصیه این یا آن شکل سازمانی در جنگ چریکی باید یک تحلیل دقیق از وضعیت سیاسی منطقه مورد نظر به عمل آید. باید تمام آن چیزهایی را که ویژه شکل زندگی و فرهنگ می باشند، به همراه تجارب مبارزه طبقاتی دهقانان در نظر گرفت.

در شکل کلی، مبارزه طبقاتی جنبش های چریکی رُل کمی داشته اند؛ آن ها به تنهایی توانائی نیل به اهداف تاریخی را ندارند، اما تنها قادر به ادای سهم شان در راه حلی هستند، که نیروی دیگری - پرولتاریا - تهیه اش می بیند. بنابراین، تکلیف ویژه عملیات چریکی عبارت است از مزاحمت به و ازهم پاشیدن نیروهای ارتجاعی با شرکت در هموارسازی راه برای پیروزی مشترک طبقات زحمتکش تحت رهبری پرولتاریا.

در زمینه سازمانی، جنبش چریکی باید واجد برخی شرایط اساسی باشد: (آ) سازمان باید انعطاف پذیر و دارای سطوح مختلف چندی باشد، که بتوانند مستقل از هم کار کنند؛ (بی) باید متحرک و قادر به عملیات برق آسا و تعویض سریع از وضع غیرقانونی به قانونی و به عکس باشد، بسته به مطالبه شرایط، و تلفیق اسلوب های قانونی، نیمه قانونی و غیرقانونی با تخمین زدن؛ (ثی) ساختار باید به نوعی باشد، که به حزب امکان رهبری سیاسی جنبش را تحت عملیات دهد؛ (دی) باید ساده، به آسانی قابل فهم برای توده ها و سازوار با رسوم شان باشد تا پیوستن مداوم نیروهای تازه را تضمین نماید.

مرحله نخست، که هدف جنبش دفاع از دهقانان منطقه در برابر سیادت خودسالارانه مرتجعان است، واحدهای چریکی (منظور گروه های پایه خُرد) در داخل مناطق کوچک تشکیل داده می شوند. قاعدتاً گروه ها غیرقانونی هستند. به تدریج با حدت یافتن مبارزه طبقاتی در روستا و تبدیلیش به جنگ داخلی علنی، این گروه های پایه در واحدهای منطقه ای بزرگ (کمون ها، بخش ها) به هم می پیوندند.

به خودی خود واضح است، که واحدهای چریکی باید دربرگیرنده پیش رو ترین عناصر باشند (آن چه که درواقع همه جا صورت می گیرد). با این حال ضروری است در بدو امر دخول به گروه های پایه با توجه به غیرقانونیت و جاسوسی و تحریکات مقامات دقیقاً کنترل گردد. بعد هنگامی که جنبش به یک رود عظیم و سریع جریان بدل می گردد و کلیه عناصر پیش رو و فعال در روستاها را به صفوف خود جذب می نماید، اصل مخفی کاری و استتار اعضاء تا حدودی اهمیتش را از دست می دهد. اما گزینش صحیح رهبران، که باید از حیث سیاسی قابل اعتماد و دارای آموزش نظامی کافی باشند، همواره یک مسأله بسیار مهم خواهد بود؛ هر نوع بی ملاحظگی در این نکته به طور اجتناب ناپذیر عواقب سرنوشت سازی به حال کل سازمان خواهد داشت.

ادامه دارد